

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

درویش وردک

۰۳ جون ۲۰۱۵

## مجلس پانزدهم (دراپتار مؤمن)

روز یکشنبه، نهم ذی القعدة سال ۵۴۵ هجری قمری شیخ عبدالقادر گیلانی رضی الله تعالی عنه در مدرسه چنین فرمودند: مؤمن در اندیشه زاد آخرت است، و کافر در فکر بهره وری از دنیا. مؤمن توشه آخرت را تهیه می کند و به اندک از دنیا قناعت می نماید، بیشتر برای آخرت ذخیره می کند. به اندازه خوراک مسافری که بتواند آنرا حمل کند از دنیا بهره می می گیرد. تمام دارائی اش را در راه آخرت صرف می کند و تمامی حواسش آنجاست. کلیه طاعات و عبادات را به خاطر آخرت انجام می دهد، دلش از دنیا بریده و به آخرت پیوسته است. اگر طعام پاکیزه ای را به دست آورد، درویشان را بر خود ترجیح می دهد، زیرامی داند که در آخرت بهتر از آن را پاداش خواهد گرفت. تمام همت عارف مؤمن جهت رسیدن به درگاه قرب حق است. دلبستگی به مولا را بر هر چیز رجحان می دهد. قرب حق غایت آرزوی قلبی و خواست باطنی مؤمن است.

اما، ترامی بینم در حال قیام و قعود و رکوع و سجود، شب بیداری و رنج عبادت، ولی قلبت اصلاً دگرگون نشده، و از چار چوب بدن و عادات معمولی خارج نگردیده است.

در راه طلب حق صادق باش، که فقط صدقه می تواند از بسیاری رنجها پناهت برهاند، بیضه وجودت را به مقدار صدق سوراخ کن، و دیوار بستگی به خلق را باکلند اخلاص و توحید خراب نما. قفس علاقه به مادیات را با دست زهد بشکن، و با بالهای قلب به سوی ساحل دریای قرب پرواز نما. و در این حال است که کشتیبانان عنایت به سویت می آیند و دستت را گرفته و به جانب حق می برند. این دنیا در حکم دریاست و ایمان توکشتی، باتوجه به این امر لقان حکیم به فرزندش گفته: ای فرزند عزیزم، دنیا بحر است و ایمان کشتی و ملاح و کشتیبان طاعات و بندگی، و ساحل نجات، آخرت است.

ای کسانی که بر ارتکاب گناهان اصرار می ورزید، به زدوی کوری و کری و ننگ فقر و ناسپاسی، و سخت دلی مردم، نسبت به شما دامنگیرتان می شود. تمامی اموالتان را به انحاء مختلف (مصادره، دزدی و وارد کردن ضرر و زیان) خواهند ستاند. عاقل باشید و به خدا برگردید. به دارائی و اموالتان تکیه نکنید و به خدای خود شرک نورزید! حب مال دنیا را از دل بدر کنید، آن را در خانه و نزد غلامان و کسان بگذارید و در اندیشه مرگ باشید، تا حرص دنیا را از قلبتان بیرون ببرد.

از بایزید بسطامی رحمة الله علیه منقول است که گفته: شخص مؤمن عارف از خدا نه دنیا و نه آخرت رامی خواهد، بلکه تنها خواستار قرب و لقاء حق است.

(یاغلام) بادل و جان به سوی خداوند برگردد، زیرا برگشته به سوی خداوند همان توبه کننده می باشد. خداوند می فرماید: «وَأَنِيبُوا إِلَى رَبِّكُمْ» (به خدای خود بازگردید. سوره زمر آیت ۵۴). به خدای برگردید، و تمام وجود خود را بدو تسلیم کنید. در برابر قضاء و قدر، امر و نهی، و دگرگونی های زندگی بردبار باشید.

دلهایتان را در پرای اوبیفکنید. بدون دست و پا و زبان و چشم، یعنی در حالت تسلیم محض وبدون چون و چرا، وباموافقت ورضایت کامل، بگوئید: مقدرات خداوند درست است، وخواست خدابجاست. هرگاه بدین مقام نائل شدید، دلهایتان به قرب حق انس می گیرد، به غیرآثار عظمت حق به چیزی نمی نگرید، وازهرچیز(اززمین تاعرش)، جزخداوند وحشت دارید. ازخلق می گریزید، وازقید تمام محدثات بیرون می آئید.

کسی از احوال بزرگان و رابطه آنان باخداوند عزوجل، جزبه وسیله مراعات ادب لازم وخدمت کافی آگاه نمی شود. این قوم ستایش و نکوهش را به مانند زمستان و تابستان و شب و روز می دانند، که کسی غیرازخدا برخلق وایجاد این پدیده های طبیعی، قادر نیست، لذا به مدح و ستایش دیگران، بازم و بدگوئی شان اعتنائی ندارند. با بدگویان جنگ و مبارزه ای نمی کنند، حب و بغض مردم را زدل رانده اند، تنها با دیده رحم و شفقت به همگان می نگرند.

علم بدون عمل چه سودی به تومی رساند؟ خدا عالم بی عمل را توسط همان علم گمراه کرده است. دانش اندوزی می کنید، نمازی خوانید، روزه می گیرید، اما تمام برارضای خلق، ناشما را بستانید، وبه شما بذل و بخشش کنید، ودر مجالس به نیکوئی یادتان نمایند. جزاوپاداش(جمله اعمال و عباداتتان!) همین خواهد بود. اما ای غلام بدان و آگاه باش، که هرگاه مرگ فرارسد وبه تنگنای زندگی برخوردی، بین تو وآنان جدائی خواهد افتاد و هیچ کاری برای تو از دستشان ساخته نیست. آنچه از مال و ثروت اندوخته ای بهره دیگران می شود، و عقوبت و عذاب نصیب تو. ای سیه روز ناامید، امروز دررنج و فردا در عذاب آخرت جای داری.

عبادت هنراست و اهل این هنراولیاء و ابدال مخلصی می باشند که به قرب حق نائل شده اند. این علمای عامل می باشند که به واسطه علمشان، نواب خدا در زمین و وارثان انبیاء هستند. نه شما ای گرفتاران هوی و هوس، که سرگرم زبان آوری هستید.

(یاغلام) توبرچیزی استوارنیستی، اسلامت صحیح نیست. بنیان اسلام کلمه طیبه شهادت است، اما به صرف گفتن (لااله الاالله) کارتمام نمی شود. قلبت وگروهی ازخدایانت آن را تکذیب می کنند. ترس ازسلطان ووالی شهرودیارت خودخدائی است برای تو، تکیه برکاروکسب وسود حاصل ازآن خدائی است، اعتماد برنیرو، و قدرت شنوائی و بینائیت، خدائی است، انتظارسود وزیان و عطا و منع مخلوق نیز خدائی است. بسیاری از مردم براین خدایان بی معنی تکیه کرده اند وبه ظاهر اظهار توکل به خدا می کنند.

واضح است که این گفتار آنان ازروی عادت زبان است، وپشتوانه قلبی به همراه ندارد. وهرگاه زشتی اعمالشان رابدانان گوشزد نمایند، فریاد برمی دارند. که: مگرما مسلمان نیستیم؟ فردا روشن خواهد شد، وتمام فضایح و آنچه راکه پنهان کرده اید، آشکار می گردد.

وای برتو! به گفتارت درهنگام گفتن قول«لااله» هر نوع الهی رانفی می کنی، ودر«الاً الله» الوهیت رانتها برای خداوند، اثبات می نمائی، پس چگونه وبرچه اساس قلبت به غیر خدامتکی است. پس دروغ گفته ای، وخدای توهمان است که بر او اعتماد نموده ای. (چراکه) اعتبار هرگفتار به باطن است نه به ظاهر.

قلب توست که، مؤمن، موحد، مخلص، پرهیزکار، زاهد، موقن، شناسای حق، عامل و امیر می باشد، و تمام عوامل دیگر لشکریان وفرمانبرداران اویند.

هرگاه قول«لااله الاالله» رابریبان آوردی، ابتداء به قلب، سپس به زبان گویا شو، برآن اعتماد نما و غیراوراموثق بدان. ظاهرت راباحکام شرع بیاری و باطنت رابانورحق عزوجل. نیک وبد را ازظاهر به دورکن، وباطنت رابه خالق نیک

و بد و ا گذار. هرآن که خدارشناخت زبانش درپیشگاهش بند آمد، و دربرابرش تواضع و فروتنی خواهد نمود، خوف و رجا و گریه اش بسیار می گردد، شرمش فزونی می گیرد و پشیمانی و ندامت از گناهان را احساس می نماید، و ترس و بیم زوال نِعَم معنوی، چون: معرفت و علم و قرب، دردل وی جای خواهد گرفت. حق سبحانه می فرماید: «فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ- لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ» از افراط و تقریط و جهالت خویش نادم، و از شرم آب می شود، از مواخذه و عقاب همواره درخوف است، نگران است که آیا مردود می شود، یا مقبول، آیا درقیامت درکنار مؤمنین است یا کافران؟ روی این اصل رسول اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) فرموده است: «أَنَا أَعْرَفُكُمْ بِاللَّهِ وَ أَشَدُّ لَهُ خَوْفًا»-(من از تمام شما به شناخت خدا آگاهترم، و از همه شما بیمناکتر).

از میان عرفاء، افراد به ندرت بدین پایگاه می رسند که به اسرار پشت پرده اطلاع حاصل کنند. و همین که بوئی از این اسرار بردند، به اختفاء و پنهان داشتن آن مأمور می گردند. درابتداء تسلیم محض شده، و از تمام منہیات روی گردان می شوند. دربرابر تمامی آفات و بلاها، صابر و شکیبایند، تابالآخره به جایی می رسند که غیر از حق عزوجل، از همه گریزانند. در نزد آنان، خاک وزر، ستایش و نکوهش، بخشش و منع، بهشت و دوزخ، نعمت و رنج، درویشی و توانگری، وجود و عدم برابر و یکسان می گردد، و خدای تبارک و تعالی را فراسوی همه می دانند.

آنگاه فرمان ولایت و راهنمایی خلق به آنان داده می شود، تا خلق الله از برکت وجود ایشان بهره مند گردند.

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»- آمین.